



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۴ آذر ۱۳۹۰

۱۵ دسامبر ۲۰۱۱

بیانیه دفتر سیاسی حزب

حکمتیست

در دفاع از موجودیت و

رسمیت حزب و

سیاستهای مصوب تا

کنونی آن

اجلاس دفتر سیاسی حزب حکمتیست روزهای ۱۰ و ۱۱ دسامبر برگزار شد. این اجلاس یکی از مهمترین اجلاسهای تاریخ حزب حکمتیست بود. مهمترین موضوع این اجلاس شکایات از کار غیر قانونی هیئت دائم و رد یا تأیید سند "پلاتفرم سیاسی-عملی هیئت دائم" بود. اکثریت دفتر سیاسی بدون رسیدگی به شکایات رسمی، پلاتفرم را تأیید و تصویب کردند.

با به تصویب رسیدن این پلاتفرم توسط دفتر سیاسی، یک "تغییر ریل اساسی"، و تغییر در سیاست های ماکرو و استراتژیک، امری که صرفا در اختیار کنگره های حزب است، از طریق غیرقانونی، بر حزب تحمیل شده است.

طبق اسناد حزبی "هر کمیته، ارگان و یا مسئولی در مقابل پلاتفرم، برنامه و اسنادی که در هنگام انتخاب، پایبندی خود را به آنها را اعلام کرده است، متعهد است و نمی تواند آنها را نقض کند. در صورت نیاز به تغییر این اسناد یا سیاست ها، ارگان یا مسئول باید بدوا موافقت نهاد

صفحه ۲

کوروش مدرسی

حزب حکمتیست یک دفتر سیاسی دارد! در مورد رویداد های حزب حکمتیست



سیاست پیش بگذارند. پراتیک ما و نشریات سیاسی و تئوریک حزب ما طی هفت سال گذشته نمونه های موفقی از این نوع حزبیت را بدست داده اند. این سرمایه همه ماست. همه ما در آن سهیم هستیم.

اما بعد از کنگره به تدریج وضع تغییر کرد. تناقضات و اختلافات قطبی تر شد، بدون اینکه کسی دقیقاً مضمون آنها را بداند. و توپ برفی به غلت افتاد که با هر چرخش خود بزرگ تر شد بحث "اختیارات کمیته کردستان" در محافل به جا های دیگری کشید. اما به هر حال حتی اگر پشت این سیر اختلاف سیاسی هم باشد، سوال این است که چرا کسانی که هفت سال در سنگر تحزب سیاسی مبارزه کرده اند نتوانستند این جدل را در قالب و در چارچوب مصوبات و موازین حزب که هم مجال اختلاف نظر و هم کار مشترک را میدهد پیش ببرند؟ چرا به اینجا رسیدیم؟ چرا حزب و کادر هایی که پرچمدار مبارزه علیه سنت رایج حزبی در چپ بوده اند خود دارند قربانی آن میشوند؟

جواب در همان مقررات و اصول سازمانی است که با هم اختلاف داشتن و با هم کار کردن را قانونمند میکند نهفته است. قاعدتاً تعریف ما این بود که اختلاف سیاسی را از کانال های قانونی و سالم حزبی دنبال میکنیم. وقتی قانون رانندگی را رعایت نکنید تصادف میکنید و وقتی مقررات حزب را رعایت نکنید به این وضع میرسید. واقعیتی که کل رهبری ما به آن بی توجهی کرد این است که حزب تعدد نظر و وحدت اراده تنها بر اساس تعهد مشترک به همه مقررات و نرم های تشکیلاتی ممکن است. تعهد ما با باز بودن و شفاف بودن سیاسی حزب، تعهد ما به رعایت حقوق و مهمتر از آن محدودیت حقوق رهبری و تعهد ما به مقررات و ضوابطی که به خصوص در چنین دوره هایی باید و سواسانه به اجرا در بیاید. ما نه تنها باید خودمان فکر کنیم که موازین را

صفحه ۵

را که از جانب هیات دائم قبلاً منتشر شده بود، مورد بررسی قرار داد. این پلاتفرم قبل از تشکیل جلسه دس مورد اعتراض و شکایت ما اعضای دفتر سیاسی، کمیته سازمانده، دبیر کمیته مرکزی و تعدادی از اعضا کمیته مرکزی قرار گرفته و این شکایات بصورت کتبی به دس فرستاده شدند. اعتراض ما به پلاتفرم غیر قانونی بودن آن بود. به این دلیل که پلاتفرم سند استراتژی سیاسی و سازمانی حزب است و صرفنظر از محتوای آن، تدوین و تصویب و انتشار چنین سندی در صلاحیت هیات دائم، دفتر سیاسی و یا رهقای هیئت دائم و یا هر رفیق دیگری که با استراتژی حزب و یا خط

صفحه ۴

حزب حکمتیست ظاهراً امروز دو دفتر سیاسی دارد. این رویداد جز تاسف عمیق چیزی را در میان دوستداران این حزب و شادی در میان همه دشمنان آن را به بار نمی آورد. بدون تردید این اتفاق همه اعضا و دوستداران حزب حکمتیست را شوکه و دچار تردید میکند. حق هم دارند. وقتی حزب چهره آشنای چپ فرقه ای دنیا را، که اتفاقاً حزب حکمتیست خود را به عنوان آنتی تر آنها تعریف کرده بود، از خود نشان دهد هر کمونیست و هر کارگری را دچار تردید میکند.

واقعاً جای تاسف است که حزبی که به همت همه کادر ها و اعضای آن به موقعیت بی همتائی در دنیای سیاست چپ اخیر ایران رسید به چنین جایی کشیده شده است. واقعاً جای تاسف است که کسانی که پرچمدار تحزب سیاسی و نقد سنت موجود در چپ بوده اند خود به گودالی افتادند که دیگران را از آن منع میکردند. رهبر که هیچ، باید متخصص تخریب بود که چنان حزبی را به اینجا رساند.

از کنگره چهارم حزب، بخصوص با بحث هایی که در آن کنگره حول "اختیارات کمیته کردستان" در گرفت و قطب بندی که آشکارا به چشم میخورد، نگرانی نسبت به آینده این حزب، در میان همه ما، همه کسانی که به اعتبار حزب احترامی می گذاشتند، و بخش اعظم این کسان در ایران هستند، آشکار بود. سوالی که در ذهن همه ما می آمد و می رفت این بود که با این تعدد نظرات، با این تعدد شخصیت ها و با این قطب بندی ای که هنوز کسی از آن درست سر در نمی آورد آیا رهبری منتخب میتواند مانند همیشه حزب متحد نگاه دارد؟ آیا این حزب به سرنوشت دیگر احزاب چپ

به کادرها و اعضای حزب

حکمتیست

از طرف دفتر سیاسی حزب حکمتیست
آذر مدرسی

رفقا!

بدینوسیله گزارش و نتایج اجلاس اخیر دفتر سیاسی را به اطلاع می رسانیم.

جلسه دفتر سیاسی مورخه ۱۰ و ۱۱ دسامبر علاوه بر مسائل روتین، پلاتفرمی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در دفاع از موجودیت و رسمیت ...

انتخاب یا منصوب کننده را در نشست رسمی آن نهاد جلب کرده باشد. زیر یا نهادن رسمی یا عملی این اسناد با حفظ پست تشکیلاتی مربوطه مغایر است. (بند ۸ متمم اصول سازمانی حزب حکمتیست). از اینرو این رفتار عملاً خود را از دفتر سیاسی حزب حکمتیست معزول کرده اند و رسمیت قانونی ندارند. از این تاریخ ما بعنوان "بخش متعدد به سیاست های تاکتونی حزب"، به عنوان دفتر سیاسی حزب، تا پلنوم کمیته مرکزی یا کنگره حزب، رهبری نشسته حزب را به بعد داریم.

این دفتر سیاسی خود را متعهد به اسناد مصوب پلنومها و کنگره های حزب میدانند. تمام تصمیمات و ابلاغیه های دفتر سیاسی یا هیئت دائم به ریاست رفیق رحمان حسین زاده از این تاریخ غیر قانونی است و به هیچ عنوان لازم الاجرا نیست.

این رویداد که قاعدتاً برای همه ما غیر منتظره است، صرفاً نتیجه اقدامات ضد قانونی هیات دائم و حمایت بخشی از دفتر سیاسی از آنها است. هیئت دائم دفتر سیاسی، مستقیماً مسئول بوجود آمدن این شرایط و تحمیل آن بر حزب است.

علیرغم شکایت ما، با وجود انتقاد و شکایت تعدادی از اعضا کمیته مرکزی، و علیرغم اعتراض دبیر کمیته مرکزی، پیش از اجلاس دفتر سیاسی، و یادآوری حدود اختیارات دفتر سیاسی، این سند، مورد بازبینی قرار نگرفت، و به تصویب دفتر سیاسی رسید. علیرغم تلاش ما برای این که شانس برای بازنگری پروسه های قانونی این تغییر سیاست، به اعضا دفتر سیاسی، به رفقای هیئت دائم و به حزب داده شود، رفقا این سند را مجدداً بطریق غیرقانونی به تصویب رساندند. و راه بازگشت دفتر سیاسی را بطور کامل بستند.

تلاش ما در جلسه اخیر دفتر سیاسی برای متوجه کردن این رفتار غیر قانونی بودن کارشان، توضیح اینکه تعیین استراتژی سیاسی سازمانی حزب، و تغییر آن در صلاحیت بالاترین مرجع این حزب یعنی کنگره است، و تلاش ما برای متوجه کردن این رفتار که با اینکار حزب و رهبریش را در موقعیت بسیار خطیری قرار داده اند و تذکر این که با این کار قانونیت خود را زیر سوال میبرند، متأسفانه ثمری نداد و اکثریت رفقای دفتر سیاسی این سند را خارج از حدود اختیاراتشان، تصویب کردند.

به این ترتیب دفتر سیاسی، ارگانی که با تعهدات گنگره چهار و مصوبات پلنوم بیست و یک، رهبری حزب را به عهده گرفته، به تعهداتش پایبند نماند. رهبری که قرار بود حافظ منافع عمومی حزب، مدافع قوانین و موازین حاکم بر آن باشد، رهبری که باید نماینده سیاسی حزب رو به بیرون و رو به حزب باشد، در اولین اقدام خود همه این تعهدات را زیر پا گذاشت و قانوناً از خود سلب صلاحیت کرد.

از این فراتر، این رفتار، هنوز بیانیه پایانی دفتر سیاسی را صادر نکرده و حزب و ارگانهای حزبی را از جلسه دفتر سیاسی و نتایج آن مطلع نکرده، شروع به "اقدامات انضباطی" و تغییر در ارگانهای حزبی کرده اند.

با اینکار اکثریت دفتر سیاسی، برای ما راهی جز انجام وظیفه رهبری "روی زمین مانده" و قانونی، باقی نمانده است. این شرایط ما را ملزم میکند که بعنوان "بخش قانونی" دفتر سیاسی عمل کنیم، و به عنوان نمایندگان منتخب کنگره و پلنوم، تعهد خود به کنگره حزب را اعلام کنیم، و از خط رسمی حزب و قانونیت آن دفاع کنیم. ما ناچاریم در این راه، در فقدان دفتر سیاسی قانونی منتخب پلنوم بیست و دو، رسمیت و قانونی بودن بخشی از دفتر سیاسی، شامل امضا کنندگان این بیانیه، را اعلام کنیم. خود را بعنوان رهبری قانونی و رسمی حزب حکمتیست، رهبری مدافع خط رسمی، معرفی کنیم و حزب را تا کنگره، طبق سیاست های رسمی آن، رهبری کنیم.

اختلافات در سطح رهبری حزب حکمتیست، امر جدیدی نیست و این اختلافات حزب را به بن بست نرسانده است. چیزی که حزب را با مخاطره جدی روبرو کرده عدم پایبندی هیئت دائم و اکثریت دفتر سیاسی به موازین و قوانین حزبی است. ما هیچوقت اختلافات خود را مخفی نکرده ایم. و تلاش کرده ایم که شرایطی، که در آن اختلاف نظر بتواند از کانالهای قانونی و مکانیزمهای رسمی جریان یابد و در عین حال وحدت عمل حزب تضمین شود، را تضمین کنیم. و این فرهنگ و سنت را شرط سلامت سیاسی حزب دانسته ایم.

ما به روشنی اعلام کرده ایم که این حزب فرقه ایدئولوژیک نیست و وجود اختلاف نظر در آن بسیار طبیعی است. همواره تلاش کرده ایم مباحثات خود را، نهایتاً، بصورت اسنادی برای تصویب به ارگانهای صاحب صلاحیت بدهیم و حول مصوبات رسمی متحد شده ایم.

اما متأسفانه با انتشار غیر قانونی

"پلاتفرم سیاسی - عملی هیئت دائم" که سندی در تقابل با استراتژی سیاسی سازمانی حزب حکمتیست است، و پس از تأیید آن از طرف اکثریت دفتر سیاسی، حزب حکمتیست با مخاطرات جدی روبرو شده است. پیش از پرداختن به جزئیات بیشتر در این مورد، لازم است کمی به گذشته بازگردیم و موقعیت حزب، سنت و سیاست ناظر بر آن، را مروری بکنیم.

حزب حکمتیست در تاریخ خود، خطی را در جامعه ایران نمایندگی کرده که در میان همه احزاب سیاسی و در میان همه احزاب چپ ایران خط متمایزی بوده است. خطی که به دلایل متعدد از جمله پافشاری بر یک حزب کارگری کمونیستی در داخل ایران، بر یک حزب ماگزیالیستی دخیل در مبارزه روزانه طبقه کارگر، پافشاری کرده است. حزبی که مجهز به خط خلاف جریان است، که معطوف به سازمان دادن یک جنگ واقعی با بورژوازی ایران و حکومت آن، است. حزبی که قدم به قدم در یک میدان واقعی و بر روی زمین سفت، امکان قدرتیگری کارگر، اتحاد طبقه کارگر و سازمان دان خشت به خشت انقلاب سوسیالیستی تأکید میکند. حزبی که تلاش میکند با تمام سنت و سیاست چپ ایران و میراث سیاسی و فرهنگی آن، با میراث توجیه زندگی در حاشیه جامعه، با میراث تبدیل شدن به حزب خارج کشوری و... مرزبندی محکمی دارد. و الگوی دیگری، از حزب و فعالیت را در مقابل خود و جامعه گذاشته است.

حزب حکمتیست در هفت سال گذشته، با متحد کردن جوانان کمونیست در ایران که نهایتاً دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب از دل کمیته های کمونیستی آن سر برآورد، در سراسر ایران سخنگوی آزادی و برابری شد. تحت تأثیر یک کار نقشه مند این حزب، برای اولین بار در تاریخ سیاسی ایران و در دوره استبداد خشن، پرچم سوسیالیستی در مراکز مهم دانشگاهی کشور به اهتزاز در آمد و مایه امید کمونیسم و آزادیخواهی در سرتاسر این جامعه شد. این حزب با گارد آزادی و پروژه "رهبران کمونیست در میان مردم" به قلب شهرهای کردستان قدم گذاشت. با جدال با انواع جریانات قومی و ناسیونالیستی، با اسنادی چون "منشور سرنگونی" و "حقوق جهانشمول انسان"، و "آنچه باید آموخت"، توجه هرمیلیونها کارگر و انسان شریفی را به خود جلب کرد. حزب حکمتیست با تقابل و تمایزش با ضدرژیمی گری سطحی چپ ایران، و با مقابله جدی با جنبش ارتجاعی سبز و همه جریاناتی که از دل این اعتراض

بورژوازی لیبرال، به مردم نوید انقلاب و رفاه و آزادی میدادند، ایستاد. و بعنوان سخنگوی انقلابیگری کارگری، از صف مستقل کارگر معترض و آگاه، از آزادی و برابری دفاع کرد. حزب ما در همه این جدالها، پرچم کمونیستی و برابری طلبانه را در دفاع از منفعت عمومی طبقه کارگر نمایندگی کرده است.

به همین دلیل امروز حزب حکمتیست به یمن خط و پرچم سیاسی متفاوتش، به حزبی مورد احترام در میان رهبران و فعالین کارگری، در میان صف آزادیخواهی در جامعه ایران، تبدیل شد است. همزمان و به همان میزان به حزبی تبدیل شده است، که از "بیت رهبری" تا "مرکز اطلاعات" و روزنامه کیهان جمهوری اسلامی، علیه آن رسماً اعلام جنگ کرده است. جمهوری اسلامی علیه این حزب به میدان آمده است، برای رهبرانش پرونده ساخته، اسامی رهبرانش را در لیست اینترپل قرار داده است.

این حزب و اعتبار و نفوذ و موقعیتی که پیدا کرده است، نتیجه کار مشترک همه ما، همه رهبری حزب و همه اعضا و کادرهایش در سراسر ایران و در تشکیلات علنی آن است. این افتخار از آن تمام حزب است، علیرغم هر اختلافی که با هم داشته ایم است.

در کنگره چهار حزب حکمتیست اختلاف نظرهای جهت ها و گرایشات مختلف در سطح رهبری حزب خود را به شکل جدی تری نشان داد. یکی از گرهی ترین مسائل پس از کنگره چهار، بحث کار ما در کمیته کردستان بود که در پلنومهای بیست، بیست و یک و بیست و دو حزب نیز که اخیراً برگزار شد، تحت عنوان "بازگرداندن اختیارات به کمیته کردستان" ادامه یافت. در کل این دوره، ما شاهد گرایشی بودیم که منتقد خط رسمی حزب بود. تلاش کردیم این رفتار بطور روشن و شفاف، بحثهای خود را طرح کنند. متأسفانه این رفتار بارها به بهانه "حفظ وحدت حزب" از طرح رسمی و علنی نظرات خود عقب نشستند، و به شکل غیر شفاف و غیر صریح، و بطور موردی نقطه نظرات انتقادی خود را طرح کردند. و متأسفانه تا پیش از انتشار "پلاتفرم" اخیر هیئت دائم، کسی خارج از جمع غیررسمی خود این رفتار، نه در درون حزب و نه در جامعه، از مشخصات و نقطه نظرات این رفقا، و همچنین میزان و عمق فاصله شان از خط رسمی حزب، مطلع نشد.

ما بارها تأکید کردیم که رهبری حزب باید با به رسمیت شناختن

مرگ بر جمهوری اسلامی!

در دفاع از موجودیت و رسمیت ...

این واقعیت به استقبال آن برود. تلاش کردیم با چشمان باز به این حقیقت نگاه کنیم و هر نوع ابراز نظر، بحث و جدل و چالش خط رسمی حزب را برای هر فردی برسمیت شناختیم. به روشنی از اولین روز تشکیل حزب اعلام کردیم که حزب حکمتیست باید به حزبی سیاسی تبدیل شود. بحث و ابراز نظر و نقد مواضع مختلف باید شفاف، روشن و علنی رو به جامعه اعلام شود. همزمان اعلام کردیم علیرغم هر اختلاف سیاسی که در میان ما باشد، باید حزب را حول مصوبات رسمی آن متحد نگاه داریم و به حزب و رسمیت ارگانها و مصوبات حزب پایبند باشیم. روش و فرهنگ و سنتی که متأسفانه هرگز از جانب رفقای منتقد خط رسمی حزب، بکار گرفته نشد. سیاست "قطره چکانی" در ابراز نظر، بحث شفاف و روش نکردن، وارد نشدن به نقد روشن و علنی خط حزب، و اعلام وفاداری به سیاستهای حزب در مجامع رسمی از جمله پلنومهای حزب و نقد آنها در محافل و کریدورهای حزب، یکی از خصوصیات این جریان و یک سنت غیرحزبی و قدیمی است.

پلنوم ۲۱ حزب دقیقاً درمقابل این تعرض به خط رسمی حزب سدی محکم بست. و خط تا کنونی حزب حکمتیست را تأیید کرد. پلنوم ۲۲ نیز تمایلی به تغییر سیاست حزب نشان نداد، و جز آرایش رهبری و دو قرار سازمانی، مباحثات اصلی از جمله قطعنامه اوضاع سیاسی و پلاتفرم رهبری رفقای کاننید پست کمیته مرکزی از جانب پلنوم کنار گذاشت و آنها را تماماً از دستور خارج کرد. در تمام این پلنومها و اجلاس های حزبی، رفقای اپوزیسیون خط رسمی، وجود اختلاف را عامل پیش نرفتن کار یا کم پیشرفتن کار حزب اعلام کرده اند و از اقلیت بودن خود در ارگان رهبری حزب شاکی بودند. شعار "رهبری خطی" را زمزمه میکردند و "حزب تعدد نظر و وحدت عمل" را ناکارا میخواندند. بدون روشن کردن مبانی "خط" خود، از خط رسمی شکوه میکردند و آن را دلیل عدم پیشروی اعلام میکردند.

تلاش ما برای جلب توجه این رفقا به اینکه حزب حکمتیست حزب تعدد نظرات است و وحدت عمل آن حول مصوباتش صورت میگردد، و هر نظر و مبحثی که بخواهد به پراتیک حزب تبدیل شود باید در ارگانهای صاحب صلاحیت، به تصویب برسد، متأسفانه ناکام ماند.

در آخرین پلنوم کمیته مرکزی رفقای اپوزیسیون خط رسمی حزب، بدون این که نظرات سیاسی شان به صورت سندی به تصویب پلنوم رسیده باشد، در ارگان دفتر سیاسی حزب اکثریت آرا را بدست آوردند. در دفتر سیاسی ما مدافعین خط رسمی حزب، (آذر مدرسی، اسد گلچینی، مظفر محمدی، محمد فتاحی و خالد حاج محمدی) اعلام کردیم که کاننید عضویت در هیئت دائم، که در فواصل اجلاس دفتر سیاسی رهبری حزب را به عهده دارد، نخواهیم شد. و اعلام کردیم که به رفقای هم نظر امکان میدهیم که به عنوان جمعی یکدست، رهبری حزب را در دست داشته باشند. ما بسیار آگاهانه این امکان را به این رفقا دادیم و گفتیم تا زمانی که به مصوبات و موازین حزبی پایبند هستید، ما رهبری قانونی شما را در هیئت دائم برسمیت میشناسیم.

متأسفانه در مدت کوتاهی، مشاهده کردیم که جمع یکدست رفقای هیئت دائم، به جای پایبندی به موازین حزبی و تعهدی که به کمیته مرکزی مبنی بر دفاع از مصوبات تا کنونی حزب داده بودند، به اقداماتی دست زدند که نه تنها در صلاحیت قانونی این جمع نبود، بلکه حتی در صلاحیت پلنوم کمیته مرکزی حزب هم نیست. رفقا در این مدت کوتاه "پلاتفرم سیاسی- عملی هیئت دائم حزب" را، بدون کمترین مشورتی با دفتر سیاسی و علیرغم انتقاد و اعتراض مشخصا سردبیر کمونیست، به نام حزب و رهبری حزب رو به بیرون منتشر کردند. در این زمینه نه تنها تعهد خود به پلنوم و کنگره حزب را زیر پا گذاشتند، بلکه حتی منتظر جلسه رسمی دفتر سیاسی، ارگانی که آنها را بعنوان هیئت دائم انتخاب کرده بود، هم نشدند. در انتشار سریع و بدون تعمق این سند، مطلقاً تعجیلی که معطوف به پاسخ به مسائل مبارزاتی بیرون از حزب باشد، وجود نداشت.

پلاتفرم هیئت دائم یک سند تاکتیکی و یک بیانیه "ساده" نیست. این سند در حقیقت سند استراتژی گرایشی است که منتقد خط رسمی حزب حکمتیست است. در این سند استراتژیک، عملاً اعلام شده است که حزب حکمتیست روی خط حکمت و مباحثات "حزب و جامعه" و "حزب قدرت سیاسی" نیست! و باید به این جهت "تغییر ریل" دهد. و علاوه بر این سند، بخشی از مصوبات کنگره های حزب و اسناد پلنومهای رسمی حزب را که به عنوان اعضا دفتر سیاسی، تعهد خود به دفاع از آنها را اعلام کردند، زیر سوال میبرد.

به این ترتیب و با این شیوه، رفقا هرگز حاضر نشدند، بحث سیاسی شفاف و

روش خود در بازبینی از خط رسمی حزب را رسماً بیان کنند، آن را تدوین کنند، و به کمیته مرکزی، اعضا و کادرهای حزب و جامعه امکان قضاوت دهند. و به این شیوه اجازه ندادند که مدافعین خط رسمی حزب، نقطه نظرات آنها را نقد کنند. این رفقا با استفاده غیرمجاز از موقعیت سازمانی خود، نظرات خود را، تحت عنوان "پلاتفرم سیاسی عملی هیئت دائم"، بعنوان سیاست حزب، رو به حزب و جامعه اعلام کردند.

پیش از اعلام علنی این سند، سردبیر وقت کمونیست هفتگی، خالد حاج محمدی، به این رفقا هم شفاها و هم کتبا اعلام میکند که این کار قانونی نیست، که "این عمل خلاف موقعیت تشکیلاتی شما و خلاف تعهدات شما است". اعلام میکند که او بعنوان سردبیر کمونیست مسئولیت چاپ سند غیر قانونی جمع هیئت دائم را در نشریه کمونیست، نمی پذیرد. و درخواست میکند که نهایی شدن و چاپ آن، حداقل تا جلسه رسمی دفتر سیاسی که دو هفته بعد برگزار میشد، به تعویق انداخته شود. رفیق خالد هشدار میدهد که "با این کار حزب را به لبه پرتگاه خواهید برد". هیئت دائم" نمی پذیرد و به سردبیر "دستور" میدهد: که سند باید بلافاصله در کمونیست منتشر شود. به این صورت سندی که در هیچ ارگان رسمی تصویب و تأیید نشده است، از جانب رفقای "هیئت دائم" به اسم حزب اعلام میشود. دو روز بعد از این اتفاق خالد حاج محمدی سردبیر کمونیست، به بهانه اینکه ارگان کمونیست باید در دست هیئت دائم باشد، کنار گذاشته میشود.

بدنبال انتشار این سند، از جانب اعضای از دفتر سیاسی، اعضا کمیته مرکزی، اعضا کمیته سازمانده، اعضا و کادرهای حزب، یک سلسله اعتراض به این سند و شکایات از هیئت دائم، به دست دبیر کمیته مرکزی و دفتر سیاسی میرسد. دبیر کمیته مرکزی طی نامه ای خطاب به جمع هیئت دائم، رسماً اعلام میکند که اقدام هیئت دائم غیر قانونی است و خواهان پس گرفتن آن سند میشود. درخواست دبیرکمیته مرکزی، جواب مثبت نمیگیرد.

جلسه دفتر سیاسی در روزهای ۱۰ و ۱۱ دسامبر در لندن برگزار شد. در این جلسه نیز، ما رسماً از این رفقا خواستیم که این پلاتفرم را که تصویب آن در حیطه اختیار این ارگان نیست و در عین حال علیه مصوبات کنگره ها و پلنومهای حزب و علیه تعهد شخصی رفقا برای کاننیدی در پست رهبری حزب است، را پس بگیرند. در این جلسه دبیر کمیته مرکزی نیز، بعنوان

ناظر و مهمان، حضور داشت. متأسفانه استدالات ما، انتقادات و تلاش ما، و انتقادات دبیرکمیته مرکزی، تأثیری در تصمیم رفقای هیئت دائم نداشت و این رفقا کماکان بر ضرورت تصویب سند توسط کل دفتر سیاسی پافشاری میکنند. و سرانجام "هیئت دائم" و اکثریت دفتر سیاسی، تحت این عنوان که "ما رهبری هستیم" و رهبری حق دارد، این سند را در دفتر سیاسی بطور غیرقانونی تصویب کرد. ما اعلام کردیم که رای گیری در مورد سندی که تصویب آن در صلاحیت دفتر سیاسی نیست، قانونی نیست و به آن رای مخالف دادیم. ما شیوه هیئت دائم را سنتی غیر حزبی، سواستفاده از موقعیت سازمانی، ناسالم و اپورتونیستی اعلام کردیم. و اعلام کردیم که در صورت تبدیل شدن آن به سنت در حزب، انحلال طلبانه و خطرناک است. اعلام کردیم که با این اقدام، دفتر سیاسی عملاً از خود سلب صلاحیت کرده است. و ما برای دفاع از پرنسپ های سیاسی و حزبی خود، چاره ای جز ترک جلسه دفتر سیاسی که از قانونیت افتاده است، نداریم، و جلسه دفتر سیاسی را ترک کردیم.

جمع هیئت دائم دفتر سیاسی، به این ترتیب عملاً نه تنها پلنوم، که کنگره های رسمی حزب را برسمیت نشناخت. هیئت دائم دفتر سیاسی، با اعلام سند استراتژیک خود و جایگزینی آن با خط رسمی حزب، کل حزب را در موقعیت بسیار خطرناکی قرار داده است. این رفقا غیر مسئولانه، هر نوع امکانی را از حزب گرفتند و با برسمیت نشناختن کنگره های حزب، کل حزب و حتی خود را در موقعیت مخاطره آمیزی انداختند.

نقض موازین حزبی بطور سیستماتیک یکی از وجوه مشخصه این جمع است. چند مورد آن به این قرار است:

اعلام علنی اینکه "حزب حکمتیست از مبانی خط منصور حکمت فاصله گرفته است" از جانب، رفیق رحمان حسین زاده بعنوان دبیر کمیته مرکزی وقت، نه فقط یک ادعای نامعتمد سیاسی علیه موجودیت هفت ساله حزب حکمتیست است، بلکه با تعهد پست دبیر کمیته مرکزی در نمایندگی کردن حزب و مصوب آن در تناقض است. دبیر یک کمیته نمیتواند مخالف کمیته خود و به درجه اولی دبیر کمیته مرکزی نمیتواند علیه کل موجودیت تا کنونی حزب ظاهر شود.

تهدیدات مکرر رفیق رحمان حسین زاده در جلسات رهبری حزب و پلنوم ۲۱ و ۲۲، مبنی بر اینکه "مخالف سیاسی من نباید با من در یک کمیته کار کند" و بالاخره تهدید

در دفاع از موجودیت و رسمیت ...

به حذف مخالفین سیاسی خود بعنوان استفاده از "حق" خود بعنوان دبیر کمیته مرکزی وقت، همگی نشان از آمادگی این سنت برای استفاده از اهرمهای تشکیلاتی علیه مخالفین سیاسی خود دارد.

در جلسه رفقا فاتح شیخ و رحمان حسین زاده با اعضا حزب در استکهلم در ۴ دسامبر، رفیق فاتح ادعا میکند که این حزب ۴ سال است روی خط "راست" است و ایشان تلاش کرده است که با این "راست روی" مبارزه کند. رفیق فاتح هنگامی که توسط اعضا حزب مورد اعتراض و انتقاد قرار میگیرد، از آنها میخواهد که حزب را ترک کنند. شکایت از این رفتار به دفتر سیاسی رسیده است.

و سرانجام اعلام اخراج بهرام مدرسی از کمیته سازمانده، به دلیل اینکه این کمیته به رفتار غیر قانونی هیات دائم به دفتر سیاسی شکایت کرده و تارسیدگی به این شکایت رابطه خود با رهبری غیر قانونی را معلق اعلام کرده است. رئیس دفتر سیاسی، رفیق رحمان حسین زاده و هیئت دائم، با تعهد به اینکه مصوبات تائیدی حزب را پیش خواهند برد، از پلنوم رای اعتماد گرفتند. هیات دائم اما برعکس و پس از انتخاب شدن، پلاتفرم گرایش خود برای تغییر ریل حزب را تصویب و به جامعه اعلام میکند. و متأسفانه بخشی از اعضای دفتر سیاسی به این روش مهر تائید زدند. در حالی که برای این رفقا، برای تبدیل کردن خط خود به خط رسمی حزب، راه قانونی روشنی وجود داشت. این رفقا حق داشتند در مقابل خط رسمی حزب، فراکسیون اعلام کنند. حق داشتند از تمام ابزارهای تشکیلاتی و قانونی برای اشاعه نظرات خود و برای تغییر خط رسمی حزب استفاده کنند! و سرانجام حق داشتند تا کنگره حزب تلاش کنند حزب را به حقانیت خط خود قانع، و در کنگره خط خود را به خط رسمی حزب تبدیل کنند! اما متأسفانه این راه را انتخاب نکردند، و با استفاده از "راه ساده"، "میانبر"، "سریع" و "غیرقانونی"، عملاً مشروعیت قانونی خود را سلب کردند.

این رفقا هنوز امکان دارند که هم خود را از این موقعیت پیچیده و سخت خارج کنند، و هم حزب را از این وضعیت خارج کنند. قبول صریح و جسورانه اشتباه خود، بعهده گرفتن مسئولیت نقض موازینی که انجام داده اند، و باز پس گرفتن پلاتفرمی که خط رسمی حزب را زیر پا میگذارد، تنها راه بیرون رفت این رفقا از این

وضعیت است. ما با توجه به سابقه گرانیهای فعالیت مشترکی که با این رفقا داشته ایم، به این امکان که این رفقا این راه را انتخاب کنند، خوش بین هستیم. در غیر اینصورت، طبق موازین حزبی، این رفقا نمیتوانند در پست رهبری حزب باقی بمانند و عضویشان در دفتر سیاسی و هیئت دائم معلق است. این تنها راه دفاع از حزب، و دفاع از مراجع قانونی حزب است. برای ما، سکوت و ادامه کار با این رفقا به این شکل، حاصلی جز در هم پاشیدن حزب نمی توانست داشته باشد. امیدواریم که خود اعضا دفتر سیاسی، اعضا کمیته مرکزی و کادرهای این حزب، چه در خارج کشور و چه در ایران، موقعیت ما را درک کنند.

ما متأسفیم که این اتفاق در حزب افتاد. متأسفیم که رفقای هیئت دائم به موازین حزب پایبند نماندند و حزب را به این موقعیت کشاندند.

ما به همه کادرها و اعضا حزب، اطمینان میدهیم که حزب حکمتیست سر جای خود است. ما تمام تلاش خود را خواهیم کرد، که پروسه بازگرداندن رهبری منتخب کنگره و پلنوم به رهبری حزب، سیاسی، منطقی به ضوابط و مقررات حزب، و سالم پیش برود. و این پروسه، تا برگزاری کنگره، حزب، به سرانجام برسد. تمام تلاش خود را خواهیم کرد که حزب کمترین لطمه را بخورد.

ما رفقا را دعوت میکنیم که پلاتفرم خود و هر بحث و سندی که دارند را به کنگره حزب بیاورند. آن را در معرض قضاوت کنگره قرار دهند، و برای تصویب خط خود، سند خود را به رای بگذارند. این رفقا حق دارند در بالاترین مرجع حزبی، خط حزب را تغییر دهند و توجه نمایندگان کنگره را به درستی سیاست و جهت و خط خود در مقابل خط رسمی حزب جلب کنند. در این پروسه، از نظر ما هیچ ممانعت و محدودیتی برای نقد سیاست و استراتژی حزب، در مقابل هیچ رفیقی در هیچ سطحی وجود ندارد.

تمام تلاش خود را خواهیم کرد که کنگره ای سالم و سیاسی و شفاف را سازمان دهیم. کنگره حزب، جایی است که باید در آن اختلافات در سیاست های ماکرو و استراتژیکی حزب، تعیین تکلیف شود.

دفتر سیاسی حزب حکمتیست

۱۲ دسامبر ۲۰۱۱

به کادرها و اعضای حزب ...

رسمی آن اختلاف دارد بدو باید فراکسیون خود در مقابل خط رسمی را ایجاد کند. پلاتفرم رفقا در حقیقت پلاتفرم این فراکسیون غیر رسمی در حزب است. هیات دائم که عملاً نماینده گرایشی در حزب است با استفاده از موقعیت تشکیلاتی خود، استراتژی حزب را تغییر می دهد و آن را علناً اعلام می کند. رئیس دفتر سیاسی که مسئول هیات دائم هم هست در جلسه دس بر ضرورت این تغییر ریل تأکید کرد.

ما اعضای دفتر سیاسی این کار هیات دائم را فرصت طلبانه، سو استفاده از موقعیت تشکیلاتی ارزیابی کرده و از رفقای دفتر سیاسی خواستیم مانع این کار غیر قانونی شوند. ما خواستار شدیم که هیات دائم پلاتفرم غیرقانونی خود را پس بگیرد و از دفتر سیاسی خواستار شدیم که این سند را غیر قانونی اعلام و آن را پس بگیرد.

ما به دفتر سیاسی و هیات دائم تأکید کردیم که رهبری کنونی مستقل از اینکه نماینده چه گرایشی است باید نماینده کل حزب باشد و به تصمیم کنگره ها و پلنوم های تا کنونی پایبند باشد. رهبری حزب باید به سیاستهای تا کنونی حزب پایبند بوده و نقشه و تاکتیک هایش را بر اساس آن ها تنظیم کند.

علیرغم همه این تلاش ها هیات دائم بر صحت کار خود و پلاتفرم پافشاری کرده و به این ترتیب از زاویه حزب و جامعه و از نظر ما هیات دائم و آن بخش از اعضای دفتر سیاسی که به این کار هیات دائم صحنه می گذارند عملاً صلاحیت و مشروعیت خود در رهبری کردن حزب را از دست داده اند. ما در جلسه دس اعلام کردیم که از نظر ما و حزب تصویب پلاتفرم تغییر ریل حزب، عملی غیر قانونی است. و از این تاریخ حزب این رهبری را غیرقانونی اعلام می کند.

با این عمل غیر قانونی هیئت دائم و تائید دفتر سیاسی بر آن راهی برای ما باقی نماند جز اعلام علنی و روشن غیر قانونی بودن این ارگانها. ما بعنوان نمایندگان کنگره و کسانی که به حزب تعهد داده ایم از خط رسمی آن، از سیاستهای تا کنونی اش، از قانونیت حزب دفاع کنیم و مصمم هستیم به تعهد خود پایبند بمانیم.

هیئت دائم و اکثریت دفتر سیاسی حزب را در مقابل دو انتخاب قرار دادند. یا قبول رهبری غیر قانونی آنها، قبول تصفیه تشکیلاتی مخالفین سیاسی خود، که متعهد به مصوبات رسمی حزب

اند، تحت عنوان تخلف از دستورات خود و یا گرفتن رهبری روی زمین مانده حزب و نجات حزب موجودیت سیاسی و قانونی آن. ما برای نجات حزب و حفظ قانونیت و رسمیت آن راه دوم را انتخاب کردیم. ما رفقای کادر و عضو حزب را فرا میخوانیم که ضمن مذموم دانستن عمل هیات دائم مبنی بر دست زدن به انتشار استراتژی سیاسی و سازمانی حزب که از اختیارات و وظیفه این نهاد نیست و اعلام تغییر ریل حزب که کاری غیر قانونی است، به دفاع از حزب و سیاستهای تا کنونی و قانونیت مراجع آن پایبند باشند. هرگونه تصمیم قطعی و نهایی بر سر تغییر احتمالی در استراتژی و سیاست حزب و تعیین رهبری بر اساس آن را باید در کنگره حزب تعیین تکلیف شود.

رفقا!

با رفتاری که با قبول تعهد به اجرای سیاستهای مصوب و قانونیت حزب، رهبری حزب را به عهده گرفتند و سپس علیه حزب و قوانین آن طغیان کرده اند و کماکان حاضر به قبول اینکه تخلف تشکیلاتی کرده اند، نیستند، جایی برای مذاکره و توافق نمانده است. ادامه قبول رهبری آنها مرگ حزب حکمتیست است. تنها راه نجات حزب خلع مسئولیت از آنها تا رسیدگی به تخلفاتشان است.

دفتر سیاسی حزب تا برگزاری کنگره حزب که در تدارک آن خواهیم بود، آن بخش از دفترسیاسی و هیات دائم که با عمل غیرقانونی خود و پافشاری بر آن صلاحیت و مشروعیت خود را از دست داده است، را معلق اعلام می کند و بررسی این کار غیرقانونی را به کنگره حزب واگذار می کند. اما اعضا و کادرها و کمیته های حزب که ستونهای حفظ وحدت حزب و دفاع از سیاستهای تا کنونی حزب حکمتیست و پراپتیک کردن این سیاستها هستند را در کنار خود می دانیم و حزب به کار خود ادامه میدهد.

ما در جلسات حزبی حضوری و پالتاکی و از راههای مختلف به سوالات رفقا در این باره جواب خواهیم داد. همچنین توجه رفقا را به بیانیه علنی دفتر سیاسی حزب در این باره جلب می کنیم.

رفقا ما تضمین میکنیم که در این پروسه حزب را سالم و سیاسی نگاه داریم و آنرا تحویل کنگره آتی بدهیم.

از طرف دفتر سیاسی حزب حکمتیست
آذر مدرسی

۱۴ دسامبر ۲۰۱۱

زنده باد سوسیالیسم

حزب حکمتیست یک دفتر ...

میگوید:

"مبارزه فکری و سیاسی در حزب بشکل علنی و از طریق نشریات و سمینارهای علنی انجام میشود. موافقت و مخالفت حزب و نهاد های آن با یک نظر یا تبیین تنها از کانال موافقت یا مخالفت با سیاست های پیشنهادی ناشی از آن نظر معنی پیدا میکند."

این نرم حزب حکمتیست بوده است و همه ما، به حق، به آن افتخار کرده ایم. این مبنای اتحاد ما بوده است. این بند شفافیت، علنیت، غیر ایدئولوژیک بودن حزب حکمتیست و از همه مهمتر سلامت سیاسی حزب را تضمین میکند. پیش بردن بحث های سیاسی در محدوده های غیر علنی، مخفی و محفل حزب را فاسد و فضای سیاسی آن را آلوده میکند. به رای گذاشتن تحلیل، حزب را فرقه ای و مذهبی میکند. تحلیل و تئوری پدیده های فردی هستند سیاست های ناشی از آنها جمعی است. مگر ما تحلیل مارکس را جایی به رای میگذاریم که هر کس متفاوت با آن حرف زد مرتد را اعلام کنیم؟

حزب ما نو آور تحزب جدیدی بود که در آن محفل بازی ممنوع و در عین حال بیشترین و باز ترین مجال برای اظهار نظر و ایجاد فراکسیون های حزبی را تضمین کرده است. بند ۲ متمم اصول سازمانی ما میگوید:

"اکثریت و اقلیت در حزب بطور متعارف، به وجود اکثریت یا اقلیت در تصویب یک قرار یا قطعنامه معین اطلاق میشود. چنین اکثریت و اقلیتی مبنای هویت جمعی و پایدار نیست. هویت پایدار جمعی تنها با تشکیل فراکسیون علنی و رسمی، مطابق ضوابط تعریف شده مجاز است. اکثریت و اقلیت به عنوان یک جناح تنها بر متن اکثریت و اقلیت شدن یک فراکسیون معنی دارند."

اصول سازمانی ما تضمین میکند که هر فرماسیون و اتحاد سیاسی در حزب علنی، قابل مشاهده، قابل نقد و قابل بازرسی است. این آزادی است که میتواند مانع محفل بازی شود. این مقررات است که سدی را در مقابل محفل های پنهانی و عمل مشترک سیاسی بدون هویت سیاسی روشن یا با هویت مخفی می بندد.

اینها همه معنی تحزب سیاسی است که حزب حکمتیست با پرچم آن متولد شد. این یکی از نقطه قدرت های ما بود. این مقررات کنار هم ماندن ما و تمام افتخاراتی که این حزب نصیب خود کرده است را مقدور کرد نه نقش پیغمبر گونه کسی.

متأسفانه رهبری ما که خود معلم این اصول بوده به این خطر توجه نکرده است. شاهد کنکرت و ابژکتیو این عدم توجه وضعی است که ما را با آن روبرو کرده اند. از همان بعد از کنگره زیر پا گذاشتن موازین حزب از جانب کل رهبری حزب رایج شد.

دسته بندی ها و جناح بندی هائی شکل گرفت که مخالف صریح بند ۲ متمم سازمانی در مورد جمع های با هویت پایدار سیاسی است که در بالا ذکر شد. وقتی جمع هم نظر هستند برای تغییر حرکت مشترکی را سازمان میدهد اما نه پلاتفرم علنی روشنی دارید و نه خود را به عنوان فراکسیون به ثبت رسانده اید، دارید مخفی عمل میکنید. این قضاوت دلخواه و اخلاقی نیست حکم روشن اصول سازمانی ماست.

بحث ها بجای کانال علنی، که اصول سازمانی ما آن را اجباری اعلام میکند، به جمع های کوچک، بسته، محفل و مخفی انتقال یافت. هنوز یک نوشته، یک جزوه، یک نقد، یک تحلیل، یک کتاب، یک سخنرانی در مورد هیچ مساله مورد مجادله ای، بخصوص تاریخ این حزب که ظاهراً موضوع اصلی مورد مشاجره است، منتشر نشده است. اما مجالس مخفی و محفل به نتیجه گیری رسیده اند و بر اساس این نتیجه گیری فراکسیون مخفی شکل گرفته است.

از همان کنگره به رای گذاشتن تحلیل وارد میدان شد از تحلیل بحران جهانی تا تحلیل از طبقه کارگر و غیره. بعداً دامنه فشار برای به تصویب رساندن تحلیل در پلنوم های کمیته مرکزی همه جانبه و همه چیز را شامل شد. حزبی که اعلام کرده بود و تصویب کرده بود با به رای نگذاشتن تحلیل خود را از فرقه شدن محفوظ میدارد چشم بسته به این چاه سرازیر شد. این تصور پوچ رایج شد که گویا اتوریته از طریق تحلیل و "خط" و "خارج خط" بودن مخالف کسب میشود. تصویری که حزب حکمتیست در مقابل آن شکل گرفت. افراد لایذ خط دارند اما حزب ما هیچ وقت خط رسمی نداشته است، مصوبات سیاسی رسمی دارد.

علاوه بر این رهبران حزبی بارها اقداماتی را انجام دادند که خارج از اختیار آنها بود. دستور خود سر جمع کردن نشریات حزبی، انتشار خود سر اسناد حزبی و غیره و غیره.

در پلنوم ها و جلسات دفتر سیاسی شاهد تقابل کاندید برای پست های تشکیلاتی می شویم بدون اینکه معلوم باشد هر کس چرا خود را کاندید میکند و پلاتفرم اش چیست.

و...

واقعیت این است کسی نه از سر سو نیت این کارها را انجام داد و نه از سر قصد تخریب حزب. همه در فکر حزب و در خدمت حزب این مسیر را در پیش گرفتند. متوجه نبودند که این دوستی خاله خرسه با حزب است، سر حزب را متلاشی میکند. انگیزه های خوب و بد ما شاخص هیچ چیز نیست. عمل ماست که این کتبیو است و میتواند مورد قضاوت قرار گیرد.

طی این مدت، نگران از هم پاشیدن حزب، چندین نامه خطاب به رهبری حزب نوشته ام و چند ملاقات حضوری با آنها داشته ام و صراحتاً نسبت به زیر پا گذاشتن موازین و شیوه کار های حزبی و پیش آمدن این وضع، کتبا و شفاه هشدار دادم. باید اذعان کنم که در جلب توجه رفقا به اهمیت پابند بودن به مقررات و روش های مصوب حزب نا موفق بوده ام.

کمیته مرکزی حزب، زیر فشار دبیر کمیته مرکزی و اعضای دفتر سیاسی برای تعیین تکلیف این "تحلیل ها" و "خط ها"، سه پلنوم برگزار میکند. هر سه پلنوم، مصوبات پیشنهادی اعضای دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی به پلنوم از اصولاً از دستور خارج میکند. کمیته مرکزی در سه پلنوم، شاید با غریزه، احساس خطر و نا امنی میکند و نشان میدهد که نمیخواهد یا آماده نیست در این شرایط پای تعیین تکلیف "خط" برود. خطی که هنوز حدود و ثغور روشنی ندارد. تنها پلنوم بیست و یکم سنگر و حد و مرزی را تعیین میکند. قرار می رود در مورد پابند پلنوم به مصوبات و سیاست های تاکتونی حزب به تصویب میرساند و در واقع از دفتر سیاسی و هیات دبیران خود می خواهد که در این چارچوب عمل کنند. این سنگری است که پلنوم در آن احساس امنیت میکند.

در متن قطب بندی محفل و غیر شفاف، تغییر آرایش رهبری حزب در پلنوم بیست و دوم، بخشی از رفقا را تصادفاً در دفتر سیاسی اکثریت میکند. میگویم تصادفاً چون اشاره کردم اساسنامه حزب ما اکثریت و اقلیت سیاسی را رسماً بر اساس پلاتفرم های روشن و تشکیل فراکسیون تعریف میکند و خارج از این محدوده، هر جمعی سیاسی جز محفل چیز دیگری نیست. اکثریت چنین جمعی تصادفی بدون هویت سیاسی اساسنامه ای است.

این "اکثریت" قاعدتاً دو راه را در پیش رو داشت. راه اول نماینده کل حزب بودن و نه نماینده فراکسیون غیر اساسنامه ای خود، احترام به تمایل و نگرانی های سه پلنوم

رعایت میکنم، بلکه مهمتر از آن، همه ببینند که با وسواس این کار را انجام میدهم. نه تنها باید موازین را رعایت کنیم بلکه باید آشکار باشد که این کار را انجام میدهم. بخصوص مخالف ما قبول کند که ما سر سوزنی این مقررات را زیر پا نمیگذاریم. این روش ما بوده است. همه ما در پروسه چند ساله گذشته بارها و بارها این کار را کرده ایم. بدون پابندی به چنین مقرراتی، بدون وجود توافق در رعایت این مقررات نه تبعیت از رهبری معنی دارد و نه وحدت اراده. ما جریانی بودیم که در اوج اختلافات درون حزب کمونیست کارگری به جناح مقابل اعلام کردیم که در پلنوم شرکت کنید ما تضمین میکنیم که علی رغم داشتن اکثریت در کمیته مرکزی، هیچ قرار و مصوبه ای را در پلنوم بدون توافق شما تصویب نخواهیم کرد. ما حزب انقلاب ایدئولوژیک و تصفیه های تشکیلاتی مخالفان مان نیستیم. این سنت برخورد اجتماعی ما به روش های حزبی بود. این ترجیح منفعت حزب به منفعت جناح خودمان بود. باز بودن سیاسی، منصف بودن در حق مخالف علامت مادر زاد این حزب بوده است. این فرق ما به همه احزاب سیاسی چپ بوده است.

ما راه مان را از چپ سنتی جدا کردیم. چپی که به محض اینکه فکر کرد باید سیاست دیگری را در پیش گرفت، سر خود و بدون طی کردن مجاری قانونی سیاست خود را بر تشکیلاتش تحمیل میکند. چپی که مخالف خود را تحمل نمیکند. اتوریته تشکیلاتی را با اتوریته فکری یکی میگیرد، مسئول تشکیلات را به پیغمبر و شیخ فرقه تبدیل میکند، دو نوع عضو دارد "رهبران" و "توده ها" که رهبران ماورای قانون هستند و سر سوزنی احترام به اعضای "غیر رهبر" نمیگذارد. ما راه مان را از سنت احزاب عقب مانده در کردستان که مبارزه سیاسی را در محافل انجام میدهند و "ملت" را در تنهائی و زیر کرسی "قانع" میکنند جدا کردیم.

سنت ما این بود و مقررات اساسنامه ای ما حکم میکند که هر کدام از ما اگر بخواهد سیاستی را به سیاست حزب تبدیل کند باید زحمت بکشد، بحث هایش را علنی مطرح کند هم حزب و هم جامعه، بخصوص طبقه کارگر، را از نظراتش مطلع کند و بعد تازه نه آن تئوری ها و تحلیل ها بلکه سیاست های ناشی از آن را به تصویب کنگره برساند. بند ۴ متمم اصول سازمانی ما

حزب حکمتیست یک دفتر ...

مکرر کمیته مرکزی، که از جمله سند اولویت های آنها را از دستور خارج کرد بود، پابندی به مصوبات تائکونوی حزب، تلاش برای قانع کردن حزب به سیاست های و جهت گیری هایی که خود درست میدانند و بالاخره بردن این مصوبات به کنگره حزب که تنها چند ماهی با آن فاصله داریم. این انتخاب مطابق سنت و موازین این حزب است، راه سر راست و ساده حفظ اتحاد حزب بر مبنای سنت سیاسی ما بود.

راه دوم پیش گرفتن مسیر عادی چپ سنتی بود. من "اکثریت" شده ام، هر چند تصادفی و محلی، بدون توجه به همه مبنای ای که بالاتر به آن اشاره کردم خط خود را بر حزب تحمیل میکنم. اسف بار و غم انگیز است که رفقای ما، هویت محلی را با هویت سیاسی و خطی قاطی میکنند و این راه دوم را انتخاب کردند. خود را "اکثریت خطی" اعلام میکنند. بشکل غیر قانونی پلاتفرمی را به تصویب میرسانند که مصوبات حزبی را نقض میکند و بعد تلاش میکنند تشکیلات را به زور تابع این سیاست خود کنند.

اینجا بحث من در مورد درست و غلط بودن مضمونی این سیاست نیست. فرض می کنم کمونیستی ترین پلاتفرم تاریخ بشر است. نحوه تغییر اولویت های حزب غیر قانونی، نا روشن، یا اتکا به کانال های محلی و غیر شفاف سیاسی است.

از نظر فاکتی حزب ما این مصوبات را در مورد موضوع مورد بحث ما دارد: مصوبه پلنوم پانزدهم که اولویت های حزب را تعیین کرده است و مصوبه پلنوم بیست و یکم است که اعلام میکند

"پلنوم بیست و یک حزب حکمتیست بر سیاستها، مصوبات و جهت گیریهای تائکونوی حزب تاکید می گذارد و بر آن پافشاری میکند".

حتی اگر رفقای هیات دائم پلاتفرم خود را مخالف سیاست تائکونوی حزب نداند،

که بخش مهمی از حزب چنین فکر میکند، این را دیگر میدانند که در دنیای واقعی این سند آلترناتیو اولویت های پلنوم پانزدهم است. هیات دائم و دفتر سیاسی از نظر قانونی حق ندارد این مصوبات را دور بزنند، حق ندارد از آنها فراتر بروند و یا آنها را تغییر دهند. این سند احکامی را در خود دارد که اثبات آنها اصلا ساده نیست و تلاش زیادی را میخواهد. اما خاصیت بحث مخفی این است که فرد را از تلاش برای اثبات نظراتش معاف میکند.

برای من قابل تصور نیست که رفقای که در دوره جدائی از حزب کمونیست کارگری پرچمدار دفاع از اصولیت حزبی بودند و خود پلا استنابا به متمم اصول سازمانی رای داده اند، متوجه این تناقض آشکار نباشند. بجای طی کردن مسیری که اساسنامه ما پیش گذاشته است، ترجیح بدهند که بطور غیر قانونی و به شکل فعالیت مخفی محلی سیاست های حزب را تغییر دهند. این زیر پا گذاشتن حقوق کنگره و همه اعضای حزب است. این قائل شدن به موقعیت قائد، خلیفه، شیخ و آیت الله برای رهبران حزبی است. برای سخت است که قبول کنم که این رفقا متوجه نیستند که حتی اگر خط متمایزی دارند، در یک حزب سیاسی مانند حزب حکمتیست اولین قربانی چنین اقدامی خط آنها خواهد بود. چون بجای بحث سیاسی در مورد خط و خطوط و شانس برد در کنگره، به ناچار بحث تبدیل به بحث مقررات و زیر پا گذاشتن اصول حزبی میشود، مقررات و روش کارهایی که بدون آنها اصولا در قالب یک حزب بحث سیاسی نمیشود کرد. چه کسی به پلاتفرم جریانی رای میدهد که مبتکر طغیان علیه مقررات حزبی بوده است؟ حتی اگر مانیفست کمونیست دوران ما را نوشته باشد. اولین قربانی خط سیاسی رفقا و دومین قربانی کل حزب است، نه! تنها قربانی حزب است.

گفتم اینجا جای ارزیابی از این پلاتفرم و سیاست جدید این رفقا نیست. این جا بحث بر سر تشکیل یک فراکسیون مخفی و محلی، زیر پا گذاشتن مقررات و روش کارهایی که اصول

سازمانی و مقررات ما تعیین کرده است. واقعا عجیب است که رفقای که علامت مشخصه شان واقعی و زمینی فکر کردن بوده به چنین دور ویرانگری افتاده اند و علی رغم نیت خود برای حفظ حزب، ابتدائی ترین ملزومات حفظ وحدت را نمی بینند. متوجه نیستند که رهبری ای که خود این چنین قوانین و روش های حزبی را زیر پا بگذارد نمیتواند در مقابل بقیه حزب اساسنامه و مقررات را پیش بکشد. اساسنامه و مقررات حزبی نمیتواند آنجا که به نفع است رعایت شود و آنجا که به نفع نیست زیر پا گذاشته شود. رهبری ای که این چنین سیستماتیک و همه جانبه مقررات پایه ای حزب را زیر پا بگذارد و بر آن اصرار کند از زیر تنظیمات حزب خارج شده است. عملا از موقعیت تشکیلاتی خود استعفا داده است. این درسی بود که ظاهرا حزب حکمتیست از تجربه حزب کمونیست کارگری گرفته بود.

برایم سخت است باور کنم که رفقای ما نمیدانند که عمل کردن در قالب فراکسیون اعلام نشده و مخفی اسم دارد: توطئه. برایم سخت است باور کنم که نمیدانند که اساسنامه ما درست برای جلوگیری از این سو تفاهات مقررات مفصلی را در مورد ضرورت علنیت فراکسیون ها و قابل کنترل بودن آنها توسط حزب را در خود دارد.

در مقابل این رفتار غیر قانونی هیات دائم، رفقا و کمیته هایی، به دفتر سیاسی شکایت کردند و نسبت به عواقب نادیده گرفتن این خطا هشدار دادند. متأسفانه این "اکثریت" در همین فضا منفعت عمومی و اصولیت حزب را نادیده گرفتند. این شکایات موجه را رد کردند و معترضین را اخراج یا تنبیه تشکیلاتی کرد. تصور کردند که با توسل به چنین روش های غیر سیاسی، غیر قانونی و غیر اجتماعی، در حزب حکمتیست شانسی برای پیروزی دارند.

این رفقا با این کارشان کل صورت مساله حزب را تغییر دادند. دادگستری ای که قرار بود علیه بیداد به ایستد خود با آن همراه شد. از آن بدتر شروع به قلع و قمع تشکیلاتی کرد. این اقدام کل حزب را با غیر قانونیت بخشی از رهبری آن روبرو کرده است. این رفقا با این اقدام خود، اعلام کرده اند که تابع مقررات صریح حزبی نیستند، اعلام کرده اند که از زیر تنظیمات حزب خارج شده اند و از نظر مقررات حزبی اعلام کرده اند که از پست های خود استعفا داده اند. در نتیجه امروز ما دو دفتر سیاسی نداریم. یک دفتر سیاسی داریم که عده ای که تابع مقررات حزبی نیستند از آن استعفا داده

اند. نمیشود هم خدا را داشت هم خرما را. نمیشود هم علیه حزب اقدام کرد و هم رهبر آن بود.

باقی مانده دفتر سیاسی منتخب پلنوم است که پابندی خود به اصول و موازین و شیوه کار های حزبی را اعلام کرده است و در پست هایشان مانده اند. بقیه رفته اند. هیچ ابهام مقرراتی و اساسنامه ای اینجا وجود ندارد. نه دو دفتر سیاسی داریم و نه دو جناح در یک دفتر سیاسی. بخشی از دفتر سیاسی عملا عضویت خود در این نهاد را ملغی کردند. هیات دائم و آن بخش از دفتر سیاسی که از زیر تنظیمات حزب خارج شده اند نمیتوانند در توضیح حقانیت خود به مقررات و روش های مصوب حزب اتکا کنند؛ خود آنها این مقررات و روش ها را باطل اعلام کرده اند. شایسته نیست و اسف بار است که رفقا خود و حزب شان را با این وضع روبرو کرده اند.

نمیشود کسانی که علیه اساسنامه حزب طغیان کرده اند را در راس حزب داشت. نمیشود فقط بحث و اعتراض کرد و گذاشت حزب جایی برود که از نظر سیاسی و از نظر موازین حزبی نیست؟ نمیشود اجازه داد که سنت این حزب، که یکی از ارکان هویتی آن است به این شکل زخمی دهن شود. نمیتوان در بازی فوتبالی شرکت کرد که طرف مقابل قوانین مجزائی برای فول کردن دارد و خود را مجاز میداند به هر کس که رسید برایش پشت پا بگیرد تا تته غیر قانونی بزند و تیم مقابل فوتبال بازی کند. این بازی فوتبال نیست، مراسم کتک زدن یک تیم توسط تیم دیگر است. هیچ آدم عاقلی در چنین مراسم کتک خوردنی شرکت نمیکند. در فاصله ای که شما سرتان به بازی فوتبال گرم است تمام تیم تان سر از بیمارستان در می آورند. در نتیجه نمیتوان در موقعیت کنونی ایستاد و فقط بحث کرد این نسخه پیروزی خاطی و شکست معترض است.

آیا باید قبول کرد که حزب این رفقا را که همیشه از نقطه قدرت های آن بوده اند از دست داده است؟ به نظر می آید که این راه در پیش است. اما شاید هنوز راه دیگری هم هست.

ما هیچ وقت حزب به نظر می آید ما نبوده ایم. ما جریانی بوده ایم که هیچ وقت خود را به آنچه که ظاهرا در مقابل ما قرار گرفته است محدود نکرده ایم. ما جریانی بودیم و هستیم که مواضع "غیر متعارف" در چپ ایران را تعریف کرده ایم و شجاعت دفاع از آنها را داشته ایم. ما کسانی بودیم که در مقابل هجوم چپ به دنباله

روی اپورتونیستی از صفحه ۷

رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر

ساعت پخش رادیو پرتو جمعه ها

۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن

۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی

۲۱.۳۰ تا ۲۳.۳۰ به وقت ایران

شما میتونید در ایام هفته شنونده تکرار برنامه در همین ساعت باشید

www.radiopartow.com/wp/

کارگران جهان متحد شوید

حزب حکمتیست یک دفتر ...

بدهیم.

سوال این است که آیا این دور نگر، این اجتماعی بودن و این پابندی به مقررات حزبی در توان این رفقا هست؟ قطعاً در توان شان هست. آیا این درجه از شجاعت در این رفقا هست؟ قطعاً هست. کارهای از این بزرگتر کرده اند و اعمال نیازمند شجاعت بسیار زیاد تر از این را انجام داده اند. اما آیا این انتخاب را خواهند کرد؟ این را باید دیگر خود این رفقا جواب بدهند. باید امیدوار بود و منتظر.

باید متوجه بود که این پیچ را با تاکتیک و مذاکره بر سر اصول نمیتوان پشت سر گذاشت. باید شجاعت تمام و کمال کمونیستی و کالیبر رهبران بزرگ را از خود نشان داد. هر روز ادامه این وضع و تصور خریدن وقت برای سازش و "مذاکره و توافق" مهلک است. نه مذاکره ای در کار است و نه سازش بر سر اصول حزب. این رفقا همه نور چشم ما و باعث افتخار ما بوده اند و شخصا در پروسه طولانی فعالیت مشترکمان از بسیاری از آنها درس های گرانبهائی آموخته ام و نه تنها به گردن حزب بلکه به گردن من به عنوان فرد حق دارند و مدیون آنها هستم. اما وقتی که علیه کنگره ها، پلنوم ها و همه موازین و اصول حزبی دست به حرکتی میزنند که در هر قاموسی کودتا نام دارد، من از حزم که از خودم، نور چشم و همه افتخاراتم عزیز تر است دفاع میکنم. این تنها شانس ماندن چیزی به اسم حزب و حزبیت است. این حزب میتواند از نظر سیاسی هزار جناح داشته باشد. اما از نظر مقررات و قانونیت یک جناح دارد: جناح دفاع از اصولیت و قانونیت حزب.

قضایوت نهائی قطعاً با پلنوم کمیته مرکزی و کنگره حزب است. اما تا

سبز ایستادیم و تلاش کردیم طبقه کارگر به دنبالچه سبز تبدیل نشود. ما حزبی بودیم که، بعد از کشتار مخالفین در دهه شصت، جسارت کردیم و حزب قدرتمندی را در ایران سازمان دادیم. ما حزبی بودیم که در اوج اختناق پروژه های رهبران کمونیست در میان مردم را انجام دادیم. ما حزبی بوده ایم که جز منفعت طبقه کارگر به هیچ چیز پابند نبوده ایم. ما حزب جسارت و کار غیر متعارف هستیم. این جا هم میتوان و باید محدوده مفروضات را بشکنیم و همین جسارت را از خود نشان دهیم. به این اعتبار هنوز راه برگشتی هست. راه برگشت به قانونیت حزب.

اگر بخشی از دفتر سیاسی که از زیر تنظیمات حزب خارج شده صمیمانه اشتباهات خود را به پذیرد، متوجه شوند که بحث در مورد حفظ چهره این و آن نیست، بحث بر سر اصولیت حزب است، این درجه از انصاف و شجاعت، که به حق از آنان انتظار می رود، را بار دیگر نشان دهند، شجاعانه و بی اما و اگر مسئولیت اشتباهاتی که کرده اند را بر عهده بگیرند. قطعاً همه حزب به شجاعت آنان آفرین خواهد گفت و با آغوش باز آنها استقبال خواهد کرد و حزبی متحد به دور رهبری خود را خواهیم داشت و رهبری ما و حزب ما از دل این ماجرا آبدیده تر بیرون خواهد آمد.

اما اگر این کار را نکنند، برای مدافعین اصولیت در حزب راهی نمیمانند که کناره گیری آنها از دفتر سیاسی و رهبری حزب را قبول کنند. این تصمیم، تصمیم بسیار درد آور و تاسف باری در زندگی تک تک ما خواهد بود. درد آور است که رفقای که عمری با هم در سنگر ها و در و جنگ های مهلک تر از این شرکت داشته ایم را از دست

آنوقت باید حزب اسلحه را از دست کسانی که بر روی حزب اسلحه کشیده اند در آورد، حزب را از دسترس این جمع غیر قانونی که قانونی را به رسمیت نمیشناسند دور نگاه داشت. خطای را اول میگیرند و خلع سلاح میکنند بعد به محکمه میبرند. بعد از اینکه شورش خوابانده شد است که پلنوم و کنگره میتواند این سیاست دفتر سیاسی را بررسی کند و به شکایت احتمالی هر کس و از جمله هر کدام از این رفقا رسیدگی نماید.

گرچه این جدال، جدالی نیست که هیچ یک از ما خواهان آن بودیم. برای کسانی که خود را متعلق به سنت این حزب میدانند مهم است که در این جدال با استاندارد و روشی که شایسته نام حزب حکمتیست و شایسته طبقه کارگر است ظاهر شوند. دفاع بی قید و شرط از سیاست کمونیستی. دفاع بی قید و شرط از موازین و اصول اساسنامه ای حزب. این جدال فقط بر سر یک سری مقررات نیست بعلاوه بر سر شفافیت و صمیمیت سیاسی، غیر شخصی بودن، اجتماعی عمل کردن، منصف بودن و نشان دادن علو طبع در حق مخالف، عدم تعرض به حرمت فردی افراد، و در یک کلمه بر سر به دست دادن استاندارد جدیدی در یک روش متمدن، باز، مدرن و کارگری از جدال درون حزبی است. این جدال باید خود دست آوردی در این زمینه برای طبقه کارگر باشد. این را بیش از هر کس دفتر سیاسی حزب باید تضمین کند.

حزب حکمتیست اموال کسی نیست و کسی حق ندارد وارد معامله و سازش بر سر اصول آن شود. حزب عزیزی است که دست آورد کمونیسم ایران و طبقه کارگر ایران است. کسی نباید حق داشته باشد با آن مانند اموال خود رفتار کند یا با سرنوشت آن بازی کند. و از آن مهمتر دفاع از سلامت سیاسی و نوع تحزبی که در تاریخ چپ ایران نمونه بوده است دفاع مستقیم از دست آورد طبقه کارگر ایران است. هیچ یک از ما حق سکوت و مامشات با تخریب حزب و بذل و بخشش هیچ سر سوزنی

از پرنسیب های آن را نداریم. همه رفقای که به حق نگران سرنوشت حزب هستند باید متوجه باشند که تنها راه بیرون آمدن از این نگرانی ها، مستقل از هر گونه جناح بندی سیاسی ای، دفاع بی قید و شرط از اصولیت و قانونیت حزب و دفاع از دفتر سیاسی قانونی آن است.

ما همیشه میدانستیم که در احزاب خارج کشوری، تا وقتی پایشان روی زمین جامعه به جای محکمی بند نباشد، تا وقتی واقعا به یک حزب داخل کشوری تبدیل نشوند، چنین رفتار های غیر اجتماعی ممکن است. از جمله به همین دلیل در مصوبات حزب ما از کنفرانس موسس این حزب و کنگره اول آن تا امروز، از جمله در سند اولویت های پلنوم پانزدهم، داخل کشوری کردن حزب و قرار دادن پایه آن بر پرولتاریای صنعتی ایران اولویت اعلام شده است. در میان کل اپوزیسیون چپ، تنها حزب ما، نه به ادعای خودمان، بلکه حتی به تصدیق وزارت اطلاعات و روزنامه کیهان نشان داده است که قادر به انجام این کار است. این مسیری است اگر طی شود، که باید بشود، حزب را از این گونه رفتار ها و طبقه کارگر را از خطر خون ریزی های داخلی و از دست دادن مدافعان با ارزشش به درجه زیادی مصون میدارد.

برای تحقق این اولویت، امروز همه ما باید با چنگ و دندان از این حزب و اصولیت آن دفاع کنیم، آنرا بدور دفتر سیاسی آن متحد کنیم و تلاش کنیم که حزب را، بدون تلفات از این دست انداز بیرون بیاوریم.

حزب حکمتیست سر جای خود ایستاده است و کارش را میکند، اولویت ها و مصاف های دیگری را دارد.

زنده باد حزب حکمتیست

۱۵ دسامبر ۲۰۱۱

*بر گرفته از سایت کورش مدرسی

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

هفتگی

تلویزیون پرتو

تلویزیون پرتو روزهای جمعه ساعت ۶ تا ۷ بعد از ظهر به وقت تهران از کانال KBC روی ماهواره هات برد پخش میشود.

فرکانس پخش

HOTBIRD

DL freq.: 11604 Ghz

FEC: 5/6

Pol.: H

SR: 27500

HB: 8

TP: 155

زمان پخش برنامه های پرتو را به

دوستان و آشنایان خود اطلاع دهید

ما را از کیفیت پخش برنامه ها

مطلع کنید

زنده باد سوسیالیسم